

نگید

مانند یک کلاس درس از تئوری‌های سبک نمایش ایرانی بلند، به همین دلیل اتفاقاً یکی از مولفه‌های سبکی نمایش ایرانی، نمایش درست و تیپیکال شخصیت‌های ثابتی مانند وزیر، سیاه، سلطان است که با همان ریزه‌کاری‌های همیشگی روی صحنه حاضر می‌شوند. در نهایت باید بگویم، صندل جز وسخت‌ترین نقش‌هایی است که در این چند سال بازی کرده‌ام.

آیا داستان این نمایش‌نامه در چند خط کوتاه قابل بازگویی است؟

این نمایش‌نامه متشکل از یک قصه پرکشش وقوی در خط اصلی و خرده داستان‌های کوتاه از شخصیت‌های مختلف در حاشیه خط اصلی است که در طول اجرا روی هم تاثیر می‌گذارند، تا این که در نهایت یک مفهوم کلی را بیان می‌کند.

استقبال مخاطبان از نمایش چطور بود؟

این کار از جنس نمایش‌های مخلط پسند است، که حضور گلاب آدینه با آن حساسیت‌ها و هنر حرفه‌ای جان بیشتری به آن داد. ما هر شب با سالن مملو از تماشاگر اجرا می‌رویم، برخی هم بدون دیدن نمایش قضاوت‌هایی داشته‌اند که خاطر ما را مکدر کرده‌است.

به کسانی که در این شرایط مخالف اجرا بودند، چگونه پاسخ دادید؟

حرف من این است که این دوستان از ماهیت رساله تئاتر و نمایش اطلاعی ندارند، چرا که کسی که ماهیت و رسالت این هنر را بداند، نه در این زمان و نه هیچ زمان دیگر مخالف اجرا نمی‌شود. همان‌طور که برتولت برشت، در شرایط جنگ جهانی دوم، نه دلاور، رانوش و اجرا کرد، هنر نمایش آگاهی‌بخش است، همان‌طور که در نمایش تخت حوضی ایرانی با همان سادگی سبک و طنازی در اجرا، عمیق‌ترین مفاهیم انتقادی و چالشی از جامعه را بازگو می‌شود، به‌طور کلی تعطیل کردن تئاتر از نظر من نشان‌دهنده عدم شناخت از ماهیت این رسانه است. تئاتر یک مقوله هنری است، که با تنبلی و خانه نشستن نمی‌توان آن را زنده نگه داشت و یا قضاوت کرد، خواندن یک نمایش‌نامه حداقل کاری است که مخاطب آگاه می‌تواند پیش از قضاوت انجام دهد. این مسئله را به‌صورت کلی فارغ از شرایط اکنون عرض می‌کنم؛ از نظر من کسی که اهل تئاتر است اهل کتاب نیز هست، چرا که دیدن یک نمایش مترادف خوانش یک کتاب است، و کسی که اهل مطالعه نباشد نمی‌تواند درباره نمایش نظر بدهد، نمایش‌ها عمدتاً اندیشه ساز هستند، و کسانی که در این حوزه کار می‌کنند، مولد آگاهی و دانش در جامعه هستند. به همین دلیل همان درصدی از جامعه که کتاب می‌خوانند تماشاگران تئاتر هم هستند و ای کاش که همه کتاب می‌خوانند.

اجرای نمایش با این ساعت طولانی و خسته‌گی خودتان را چگونه مدیریت کرده‌اید؟

در این دوره، مجبورم برای این که بتوانم در صحنه اجرای خوبی را داشته باشم، مانند یک بودایی با رعایت کردن سبک زندگی، و مدیریت خود را از استرس و حواشی دور نگه دارم که بسیار کار سختی بوده است. این مسئله‌ای بود که متوجه همه افراد این گروه نمایشی شد، و هیچ چیز جز نیروی عشق نمی‌توانست این میزان از پتلسیل و انرژی را در این کار تولید کند.

اجرای این نمایش برای شما منافع مادی و مالی داشته است؟

خیر، من پروژه‌های دیگری هم که در بخش نمایش عروسکی و... داشتم را موقتاً کنار گذاشتم، چرا که احساس می‌کردم اجرای این نمایش در این شرایط بسیار لازم و ضروری است، و این خواست من و گروه بود که بدون هیچ چشم‌داشت مالی، با عشق این مسیر را به سلامت به مقصد برسیم.

باز بگردان تئاتر و فعالین در حوزه نمایش منبع در آمدشان از کجا تأمین می‌شود؟

از نظر من هنر و پول همیشه دو قطب مخالف هم هستند، به این شکل که هرگاه در یک اثر مسائل مادی محوریت پیدا می‌کنند، هنر رنگ می‌بازد و همین‌طور بالعکس هر گاه با هنر در محوریت یک اثر مواجه می‌شویم، هیچ منبع مالی نمی‌تواند برای آن قیمتی بگذارد. اما با این حال وجود یک شرایط مناسب برای هنرمند، برای آن که بتواند بدون دغدغه‌های مادی هنرش را شکوفا کند لازم و ضروری است. که متأسفانه با وجود آمدن شرایط کنونی بیشترین ضربه سختی متوجه هنرمندان شده است طوری که گویا همه ایست کرده‌اند، و در حالت انتظار بدون جواب مانده‌اند. بیشتر بیجه‌های تئاتر که اعضای خانه تئاتر هم هستند در حال حاضر به راندگی در اسب برای گذران زندگی روی آورده‌اند.



مختلف بود که بعد من برای این نقش انتخاب شدم.

آیا سابقه بازی جلوی دوربین و تصویر هم داشته‌اید؟

من علاوه بر بازیگری تئاتر، در حوزه دوبله‌وری و گویندگی عروسک هم فعالیت دارم، و در کارهای عروسکی با مرضیه برومند و در مجموعه شکرستان با مرکز صبا همکاری داشته‌ام.

دلیل این که به جز تمهیدات و مولفه‌های سبکی نمایش ایرانی، در نقش پردازی چیزی اضافه نکرده‌اید، تا او را متفاوت تر ارائه دهید، چه بود؟

بازیگر وقتی با درامی شاخص مانند آثار بیضایی مواجه می‌شود، سعی می‌کند نزدیک‌ترین شخصیتی را که مدنظر نویسنده است را اجرا کند، همان‌طور که در مواجه با متن‌هایی مانند ایبسن و استریندبرگ باید مولفه‌های سبکی کاراکتر پردازی نویسنده را در نظر داشته‌باشند، و این بخشی از وفاداری بازیگر به مولف به حساب می‌آید، این نمایش هم، از جمله متن‌های مولف است، و این که در تئاتر ما استفاده از این متن‌های ارزشمند کم شده است بسیار متأسف است، این نمایش می‌تواند برای دانشجویان این رشته

این کار را به صورت دلی و با عشقی که به هنر نمایش داشتند به عهده گرفتند.

علیرضا ناصحی:

هنر نمایش آگاهی‌بخش است

از تجربه‌های پیشین خود در زمینه تئاتر بگوئید.

من از سال ۱۳۷۲ که وارد دانشگاه شدم، به‌طور مداوم هر سال کار تئاتر داشته‌ام و در حدود ۵۰ اثر نمایشی ایفای نقش کرده‌ام، در نمایش‌های افشین هاشمی، حمید امجد، پری صبری بازی کرده‌ام و همکاری‌های پیشین من هم ایفای نقش در نمایش‌های حمید سمندریان و هم‌راستا بوده است.

همکاری شما با گلاب آدینه و انتخاب شما برای نقش صندل در نمایش پرده‌خانه به چه شکل صورت گرفت؟

من در نمایش شبی در تهران با خانم آدینه تجربه همکاری کرده‌ام و در دانشگاه نیز افتخار شاگردی‌شان را داشتم. در واقع آشنایی ما پیش از این نمایش به‌صورت همکاری در نمایش‌های